

## عنوان مقاله:

سماع و واژه‌های همنشین آن در شعر مولوی

## محل انتشار:

کنگره بین المللی زبان و ادبیات (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 11

## نویسنده:

کیومرث خانابازاده - دانشجوی دکترای ادبیات فارسی دانشگاه گیلان

## خلاصه مقاله:

در این مقاله نخست سماع و دلایل گرایش مولوی به آن و نیز نظر صاحب نظران، اعم از موافقان و مخالفان در مورد سماع و رد و قبول آن از طرف عده‌ای، بررسی شد. و سپس همنشینهای سماع، که بسامد بالایی داشتند، در محور همنشینی جمله مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت، و مشخص شد که مولوی به خاطر علاقه وافری که به سماع داشت آن را با واژه‌هایی از قبیل جان، آلات موسیقی، مجالس شادی، مجالس شراب و مستی همنشینمیکند، تا از این رهگذر، هم دیدگاه و تفکر خود را در باره سماع، بیان کند و هم نوع تلقی خود از سماع و موسیقی و سایر واژگان عرفانی و جهان بینی خود را برای مخاطبان واضح و آشکار سازد. البته سماع برای مولوینوعی وصال به معشوق و پی بردن به ذات هستی و شناخت واقعی آفریدگار میباشد پس باید همراه با شادی و دستافشانی و پایکوبی باشد. مولوی به این خاطر سعی دارد همه جا سماع را با اسباب شادی و آلات موسیقی که از نظر او به عالم ماورا تعلق دارند؛ همنشین کند

## کلمات کلیدی:

اصطلاحات عرفانی، عرفان، سماع، تصوف، محور همنشینی

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/581386>

